

جلسه دوازدهم قانون عقل ۳

با یاری خدا ، ائمه معصومین ، شهدای زنده ، نفس پاک بهتری های جهان شروع میکنیم.

□ خانم جباری : سلام □: بچه ها : سلام □ اوضاع احوالتون چطوره؟؟ □ خییلی عالی □. خداروشکر ، بالاخر راه افتادین. میگن سلام سلامتی میاره ، درسته؟؟ □ بله □. چرا؟؟ □ چون اسم خداس ، نور داره و داری ارسالش میکنی بهت برمیگرده □. آفرین .دیگه؟؟

□ سلام امنیت ، سلامتی و دوستی داره که به این ها فکر میکنیم وهم خلقش میکنیمطبق قانون ناخودآگاه ، هم میفرستیم هم جذب میکنیم □. آفرین ، آفرین ، یک تشویق.متشکر م.دوستان عزیز ، نوابغ باهوش ، چقدر تونستید به کنترل کردن ناخودآگاه ، تکراری های ذهن و کلمه هاتون تسلط پیدا کنید؟؟ □ این چندمین دوره اس که داریم کار میکنیم خیلی زیاده □. خب در چه حدی؟؟

□ شده مثل اون قضیه ای که به طرف میگن کامپیوتر بلدی؟ میگه خیلی زیاد ، میگن حالا روشنش کن، میگه نه در این حد. □ روی تکرارهامون داریم کار میکنیم اصلا کار آسون نیست ، برای منی که ترم اول هستم خیلی پایینه □. متشکر ، چند درصد؟؟ □ نمیدونم، شاید ۵درصد. □ چرا برای ما انقدر آسون نیست؟؟ □ چرا عوض کردن تکرار های ناخودآگاه یا باور های ما ، انقدر برای ما فشااار داره چرا؟؟

□ اینکه اصلا ۴۰سال باور منفی کاشتیم چه انتظاریه خب بخوایم یک شبه درستش کنیم؟؟!!

□ بله □. ما بابت همین مقداری که میتونیم کنترل کنیم ، خدارو هزار بار شکر میکنیم.

□ بله □ خانم جباری همین که توی تکرار هامون متوجه میشیم چی منفیه چی مثبت جای شکر داره.

□ بله واقعا خودش یک نعمته ، خیلی از آدم ها متوجه این نمیشن. □ من یک مثال بگم.

□ بگو □ من دختر اولم خیلی سخت میخوابید ، ولی بعدش خوب میخوابید ولی من مدام تکرار میکردم که این پدر منو درآورده با خوابیدنش ، این پدر منو درآورده با سخت خوابیدنش حالا بچه ی دوم ، این هم بخاطر تکرارهای من ، هم سخت میخوابه هم اینکه یک رب هم بیشتر نمیخوابه.

یعنی من ناشکری میکردم اون سه ساعت میخوابید و حالا منفی هام دوبرار شده ، حالا خوابش هم کم شده. □ واقعا حواس ما کجاست که حضور در لحظه نداریم؟ □ همه چی؛ غیر خودمون

□ متشکر م ، ما توی روزمرگی خودمون در واقع در واقع روز مرگی گیر افتادیم و باید این مرگ لحظه های خودمون رو با یه حرکت جدی عوض کنیم و حواسمون به لحظه لحظه های خودمون باشه .

یک خاطره شوخی بگم :یک مدتی یه فیلم کره ای نشون میداد ، که توش خانم به آقا لقب سرورم میداد ، پدر من شروع کرد کلمه ی سرورم رو به مامانم گفتن ، بعد چند مدت که تکرار میکرد پدرمن سرش ورم کرد... □

چند روز میگفت نمیدونم چرا پوست سرم ورم کرده ، آخه تورم سر یعنی چی؟؟؟

یه روز زنداداشم به شوخی به پدرم گفت : بابااا شاید ورم سر شما مال کلمه ی سرورمون باشه ، هی میگید سر ورم ، سر ورم ،

ما همه قاه قاه زدیم زیر خنده ، بابا کمی فکرکردن دیگه لفظ سرورم رو نگفتن ، بعد جالبه همون روز ورم سرشون خوب شد.

□ خانم جباری ، این خیلی شوخی خطرناکیه !!

□ بله بله.

□ آخه انقدر مراقبت؟؟؟

□ بله ، موفقیت میخوای،بله.

□ واقعا حالا ورم سرش مال تکرارش بود؟؟

□ واقعا نمیدونم،هنوز خودمون تو حیرتیم.

اینو فقط برای شوخی تعریف کردم .برای خودم یک مثال فرح بخش تلخ ولی واقعا باید انقدر مراقبت کنیم.میشه بدون دقت کردن به خودمون به موفقیت برسیم؟؟□ نه عمرا خوابشو ببینی. □میشه بدون توجه به لحظه از لحظه از افکارمون به قدرت برسیم؟؟□ نه عمرا خوابشو ببینی. □ میشه بدون محاسبه و مراقبه از ذهن و اعمال خوشبختی کسب کنیم؟؟□ نه عمرا خوابشو ببینی. □ میشه بدون کنترل ذهن روی نعمت ها شایسته جذب نعمت بیشتر باشیم؟؟□ نه عمرا ، خوابشو ببینی. □ حالا برعکس : میشه با دقت کردن به خودمون به موفقیت برسیم؟؟

□ صددرصد ، قله ی محال و فتح میکنی.

□ میشه با توجه به لحظه لحظه فکرو اعمالمون

به قدرت برسیم؟ □ صددرصد ، قله ی محال و فتح میکنی.

□ میشه با محاسبه و مراقبه عالی از ذهن و اعمالمون به خوشبختی برسیم؟

□ صددرصد ، قله ی محال و فتح میکنی. □ میشه با تعقل و اندیشه مداوم به قدرت خدا ۵۰ساله بشیم اما در حالی که ظاهرمون مثل ۲۵ساله ها جوونه؟؟

□ صددرصد ، قله ی محال و فتح میکنی.

□ همیشه با انکار و کنترل ذهن، قوی کردن عقل ، صاحب ثروتی بشیم که همه فامیل ازش بهره ببرن؟؟ □ صددرصد، قله ی محال و فتح میکنی .

□ کسی هستش که تونسته باشه با استفاده از ذکر صاحب یک نعمت یا رفع یک مشکل توی زندگیشبه؟؟ □ من ، آیه و قل رب انزلی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین □ □ رو مداومت داشتم میخوندم ، بعد مدتی خونه خریدیم . □ یعنی به نیت خونه میخوندی؟ □ بله برای خونه میخوندم. □ متشکرم. یک نفر دیگه بگه. □ من هفته ی پیش دندان درد شدید گرفته بودم ، بعد دستمو گذاشتم روی محل درد حمد و سوره و انا انزلنا رو خوندم ، دردم آرام شد.

□ متشکرم . حالا خیلی هم مهم نیست ذکر ی که داریم استفاده میکنیم فارسی باشی یا عربی ! البته بهتره که عربی باشه با ذهنتون بتونید توی معنی تعقل کنید ، اما خیلی ها با ذکر های فارسی ذهنشون رو آرام میکنن. □ بله من مثلا خیلی تکرار زیاد داشتم که خدا رزقمو داره روز به روز زیادتر میکنه الحمدالله و این دوتا آیه سوره طلاق من یتق الله رو خیلی مداومتش میکردم و روز به روز داره رزقم کثیرتر میشه . □ نوش جونتون.

* دعا *

چشم ها بسته ،

یک دو ، سه بسم الله الرحمن الرحيم مهربان خدای من ، خالق قدرتمند مک ، با دوستانت گرد هم آمده ایم تا محبت محبوب غریبت را در دلمان زیاد کنیم و جزو آنانی باشیم که هر زمان ، مولای مهربان تر از پدرمان ، به ما مینگرد از وجود ما لذت برد ، الهی ما از تو میخواهیم جمعمان را یاری دهی با فکرو سخن و عمل مان وسیله ای شویم تا دوران انتظار ولی مان به پایان رسد و جزو قدرتمندانی باشیم که در زمان پادشاهی ایشان به او خدمت کنیم.

آمین

□ سوره ی والعصر

یک ، دو ، سه بسم الله الرحمن الرحيم والعصران الانسان لفی خسر

الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر

جمله یک ، دو ، سه

روی زمین اومدیم ، با صفات قوی تر ، اجرای قانون عالی تر ، به هر چه می خواهیم بی ر سیم

امتحانت اندازه توانت ، خودتو دست کم نگیرمی تونی ، قوووی شو

حالا باهم دیگه تمرین میکنیم این جمله ی ذهنی رو به خودمون تلقین بدیم ، جاهایی که بقیه دارن به ما منفی میگن یا خودمون داریم منفی فکر میکنیم بگیم :

■ حمایت و قدرت خدا از همه چیز بزرگتره ، الله اکبر....

اطرافیان دارن بهت تلقین میدن وای همسرت اوضاع اقتصادی خوبی نداره تو چجوری این فشارو تحمل میکنی؟

تو ذهن خودت چی بگو؟؟

□ حمایت و قدرت خدا از همه چی بزرگتر ، الله اکبر.

□ خودت نشستی داری فکر میکنی بابا غول ناخودآگاه و همیشه کنترل کرد ، یهو استوپ میکنی به خودت تلقین میدی:

□ حمایت و قدرت خدا از همه چی بزرگتره الله اکبر

□ دارن بهت تلقین میدن تو این دنیا پارتی نداشته باشی موفقیت محاله ، ببین فلانی به جایی رسیده مال اینه که باباش کارخونه دار بود.

چی به خودت تلقین بده؟؟

□ حمایت و قدرت خدا از همه چی بزرگتره الله اکبر

□ گاهی ما با شنیدن این جمله ها و تلقین ها ساعت ها میریم تو فکر اونو چیکار کنیم؟؟

□ □ حمایت و قدرت خدا از همه چی بزرگتره الله اکبر

□ تلقین به خودت بده ، انقدر اینو به خودت بگو که صدای منفی ذهنت ساکت شه.

یه تشویق کنید خودتونوو...

■ از حضرت علی علیه السلام داریم عاقل به کوشش خودش تکیه می کند نادان به آرزویش، این حدیث مال مولا علی، اما قسمت کوشش عاقل به کوشش خودش تکیه می کند عاقل عقل خودش را با کوشش خودش به دست می آورد

■ بچه ها کوشش دو قسمت دارد کوشش و فعالیت بدنی، حرکت کردن، کار کردن، زحمت کشیدن، این قسمت بدنی ما، حالا یک قسمت کوشش روحی است می نشیند و تفکر می کند ذهن خودش را نگه می دارد می بندد اینها هم می شود کوشش، من انقدر شاگرد داشتم بچه ها می آمدند و می گفتند خانم جباری ما نمی توانیم فکر کنیم متن ها را میگیریم دستمان یک خط می خوانیم یک ذره فکر مان می آید بعد نمی توانیم فکر کنیم مثلاً شما می نویسید ده دقیقه تفکر متن من ۳ دقیقه ای تمام می شود، جواب سوالش این است ببین متن که روحانی از دو دقیقه طول می کشد می توانید سه دقیقه بخوانید یعنی یک دقیقه داری تفکر می کنی یعنی یک دقیقه می توانی فکرت را نگهداری، باریکلا به همین یک دقیقه خیلی خب یک دقیقه ات را حالا تلاش کن بکن یک دقیقه و نیم بکن دو دقیقه شما هرچی تلاش می کنید ذهنت را روی یک موضوع نگهداری، هم توانایی عقلیت بیشتر می شود هم قدرت کنترل ناخودآگاه ت می رود بالا، من تازه امسال این توانایی را پیدا کردم که وقتی به یک مطلب نگاه می کنم یا فکر می کنم به یک خط یا جمله می توانم نیم ساعت ۴۰ دقیقه یک ساعت ذهنم را رویش نگه دارم در صورتی که من هم اوایل دقیقاً مثل خیلی ها بودم که پرش های ذهنی فوق العاده زیاد داشتند، دانشجوهای عزیز، رفیق های من، بابا جان ما تو دنیایی زندگی میکنیم که پرش زن هنر فوق العاده زیاد است فیلم دیدن صحنه های اکشن صحبت کردن های بدون توجه تصاویر متفاوتی که نگاه می کنیم اصلاً پرش های ذهنی ما در اثر تربیتی که داریم و مدل زندگیمان فوق العاده زیاد شده بعد این پرش های ذهنی زیاد را شما نمی توانید به راحتی دست بگیرید ولی تلاش میخواید کوشش میخواید عزیز من، یادتان است آن مثالی که در مورد امام خمینی و خانه خریدن امام گفتیم یکی از قسمت های تلاش و حرکت امام خمینی این مدل تلاش و حرکت است ساعت های که ایشان کنترل ذهن، عقل کردن، کنترل کردن ناخودآگاه، ساعتی که اینها داشتند دست می گرفتند ما باید برای کنترل ذهنمان تلاش کنیم ما باید برای ناخودآگاهمان زحمت بکشیم مثلاً یک لطیفه میشنوی خیلی سریع باید بعد از خنده ای که کردی ذهنت را کنترل بکنی سریعاً درست آن موضوعی که داری بهش میخندی را باید توی ذهنت جبران بکنی با یک کلمه، با یک لفظ، با یک جمله، من الان یک لطیفه می گویم شما لبخندت را بزن اما بعد از لبخند حواست باشد که ذهن خودت را کنترل کنی به یک مرد ایرانی می گویند نماز میخوانی؟ میگویند عادت ندارم می گویند روزه میگیری؟ می گویند طاقت ندارم، می گویند خیرات می کنی؟ می گویند ثروت ندارم، میگویند صیغه چی صیغه می کنی؟ می گویند آره بابا دیگر کافر که نیستم، به افتخار همه مردهای ایرانی که هنوز ذره ای ایمان توی وجودشان هست الان شما لبخند زدید خندید، خیلی سریع باید ذهن را کنترل کنی که، اتفاقاً همه مردهای ایرانی که من میشناسم آدم های معتقد و قوی هستند اصلاً هم دنبال زن بازی و صیغه و این جور حرفها نیستند توی ذهن خودت باید جمله ات را درست کنی ای بابا خانم جباری خوب این را که شما الان گفتید جوک نبود که واقعیت بود ماشاءالله، ماشاءالله، شاگرد ثروت ایمانی، عزیز من تلاشت برای کنترل ناخودآگاه و عقلت چی شد؟ مگر تو میخوای این اتفاق توی زندگی جاری بشود که داری واقعیت مهر می کنی روش،

بهش لبخند بزن، اما نپذیرش، خانم جباری حالا ما یک بار این لطیفه را شنیدیم خندیدیم پیام به ذهنمان خودمان درست نکردیم ندادیم، اینکه نشد ناخودآگاه این الان یک پیام است.

کجا یک پیام است؟ شما فیلم تلویزیون را نگاه می کنید مرد بی اعتقادی که دنبال زن بازی است شونصد تا پیام اینجا دارد بهت داده می شود الان شما این لطیفه را می شنوید دو دقیقه طول می کشد این لطیفه را می شنوید میخندید بعدش هم هیچ چیز به خودتان تلقین نمیدهید دو دقیقه می شود ۶۰ تا فکر خواهرت دارد از مشکل همسایه بغلی تعریف می کند، بی اعتقادی و صیغه طرف مقابل را اعلام میکند شما نیم ساعت می نشینی گوش می دهی نیم ساعت آنجا می شود ۱۵۰۰ تا فکر بعد همه این فکر ها دارند بی اعتقادی و صیغه را بزرگ می کنند توی ذهنت، بعد تو همه اینها را می پذیری هیچ کدام اینها را هم تغییر نمی دهی! همه اش را هم می گویی بله واقعیت است واقعا، الان اینجوری شدند الان این اتفاق ها... باشه، واقعیت باشد مگر تو باید هر واقعیتی را توی ذهن خودت بزرگ بکنی من یک بار در سفری با یک خانومی ۱۲ ساعت هم مسیر شدیم در کوبه قطار، بعد جالب بود ایشان خیلی ادای مردها را در می آورد یک ورزشکار بود مدل موها کامل پسرانه، مدل گویش خیلی لوتی وار، مدل پوشش پوشش مردانه، بعد که با همدیگر صحبت کردیم دیدم ایشان از مردها متنفر است و دقیقاً هم به همین خاطر، اعتقادند، اهل صیغه زیاد هستند اصلاً ذهنشان توی ۱ نفر وای نمیسته، همه مردها بد نگاه می کنند و خیلی جالب، هر آدمی که سمت ایشان آمده بود آدمی بود که به قصد تعرض و نگاه جنسی ایشان جذب کرده بود من به این خانم می گفتم ببین من کلاس با آقایان دارم مشاوره دارم با آقایان متفاوت ارتباط دارم ولی تمام مردهایی را که من با ایشان صحبت می کنم مشاوره دارم کلاس برمی دارم بسیار بسیار آدم های امن، بسیار آدم های نجیب، بسیار مرد های پاک، چطوری است که من همش دارم توی زندگی مردهای قوی مومن و معتقد و پاک را دریافت می کنم تا حالا توی شان یک نفر هم نبوده به یک چشم دیگر به من نگاه بکند بعد خیلی جالب است که تو هر آدمی راداری دریافت میکنی با این مشخصات داری دریافت میکنی خب این یعنی چی؟؟ بعد جواب این خانم به من این بود که بابا مریم جان تو خیلی داری ساده نگاه می کنی تو که فکر آن مرد ها را نمیدانی که با چه نیتی دارند به تو نگاه می کنند، ای بابا آدم مگه لا اله الا الله مگه خریه که متوجه نشه نگاه طرف مقابل بهش چه جوری است! بله ما یک بار توی یکی از اقوامان بود آقای که خوب نگاه نکند اما خیلی راحت بعد از تفکری که ماها شروع کردیم درست کردنش این آقا هم ویژگیش عوض شد، □ پس یکی از قسمتهای اصلی ناخودآگاه: هر واقعیتی را تکرار نکن زحمت بکش تلاش کن غول ناخودآگاه را به این راحتی نمیتوانی شکست بدهی. □ اصلاً یک نکته خیلی جالب تمام آنچه که شما اکنون دارید محصول ناخودآگاه و عقلتان است یعنی هر چقدر که ناخودآگاهت روی یک موضوعی قوی تر، عقلت روی یک موضوعی پردازشش بیشتر، دریافتیت از جهان هستی عالی تر.

□ مثلاً این چند تا مثال را گوش بدهید آیا اندازه ثروتت ربطی به ساعت کاریت دارد؟ وا چه حرفی است داری می زنی اندازه ثروتت محصول ناخودآگاه و عقلمه

بچه ها خوب بهش فکر کنید آیا اندازه پولت ربطی به کارت دارد؟ و اچه حرفیه داری میزنی اندازه پول محصول ناخودآگاه و عقلته دقیقاً

آیا محبوبیت ربطی به حمایت مردم دارد؟ و اچه حرفیه میزنی اندازه محبوبیت محصول ناخودآگاه و عقلته
آیا سلامت پوستت ربطی به کرم هایی که استفاده می کنی دارد؟ که چه حرفیه میزنی ،اندازه سلامت پوستت محصول ناخودآگاه و عقلته

آیا زیبایی فرزندت است ربط به میزان زیبایی چهره تو و زیبایی چهره همسرت دارد؟ و اچه حرفیه میزنی اندازه زیبایی فرزندت محصول ناخودآگاه و عقلته

آیا شادی خانه ات ربط به سرحالی افراد خانواده ات دارد؟ و اچه حرفیه میزنی اندازه شادی خونت محصول ناخودآگاه و عقلته

آیا آرامش ات ربطی به مشکل نداشتنت دارد؟ و اچه حرفیه میزنی، اندازه آرامشت محصول ناخودآگاه و فکرت

آیا تیپت و لباس هایی که میپوشی محصول حقوق و درآمدی است که از کارت داری؟ و اچه حرفیه میزنی اندازه ی تیپ و لباسی که میپوشی محصول ناخودآگاه و عقلته

خیلی هیجان انگیز نیست! ■ آدم داریم پول زیاد می گیرد حقوق زیاد دارد اما چون تکرار هایش همه اش این است که به هیچی نمی رسه به هیچی نمی رسه میری مغازه یک میوه بخری قیمت ها آنقدر، تورم و گرانی است واقعاً پولش بی برکت می شود همین الان هم آقایان متفاوتی داریم که حقوق ۳ میلیون دریافت می کنند خونه دارد ماشین دارد زندگی راحت دارد راحتی زندگی اش به خاطر حقوقش نیست، به خاطر تفکرش است بخاطر عقلش است بخاطر ناخودآگاهش است از بس که تکرار می کند رزق را خدا می رساند رزق را خدا می رساند دهنده یک نفر دیگر است گشایش دارد توی زندگیش

■ خانمی را داشتم که خودش و همسرش چهره جالبی نداشتند ولی بچه ایشان بسیار زیبا بود بعد وقتی دلیلش را از ایشان پرسیدم ایشان گفتند من همیشه برای بچه به این فکر می کنم که هرچی زیبایی تو نسل های گذشته من هست بچه من می کشد آن زیباییها را، مثلاً بابابزرگم چشمهای قشنگ درشته آبی داشته است بچه من چشم های درشت آبی خواهد داشت، تمام زیبایی ها را جارو می زند بچه من بر می دارد، بعد جالب است به من میگفت خانم جباری من این تلقین را تو شوخی شوخی می گفتم ها ،ولی واقعاً همان شد در واقع یعنی از دو تا قانون استفاده کرده هم قانون رهایی هم قانون ناخودآگاه ،حالا اگر می نشست به زیبایی هایی که خدا مثلاً به حضرت یوسف داده یا تعقل کردن اصلاً به داستان حضرت یوسف، زیبایی حضرت یوسف ،عقلش را هم قوی می کرد از سه تا قانون استفاده کرده بود هم رهایی هم ناخودآگاه هم قانون عقل ،خانم جباری خب اگر این طوری است که همه درآمد ماهمه رزق ما همه سلامت و شادی و پوست و .. اصلاً هرچی ما میخواهیم محصول ناخودآگاه و عقل ماست خوب ما که باید ۲۴ ساعته زمان بگذاریم برای ناخودآگاه و عقل ، آره والا واقعاً آره ،خب پس چرا ماه ها برای ملک

خریدن ۸ ساعت کار می‌کنیم؟ یک ساعت هم نمی‌گذاریم ناخودآگاهمان را کنترل کنیم؟ چرا ماه‌ها برای دریافت نعمت هر نعمتی، توجه به ناخودآگاهمان کمتر از توجه به عوامل بیرونی؟ برای سلامت اخلاق فرزندم حواسم به دوستاش به چیزی که تو گوشی می‌بیند هست اما حواسم به ناخودآگاه خودم نیست خنده‌دار نیست!

▪ پس یکی از قسمت‌های بزرگ کوشش شد یک سری از واقعیت‌ها را تو نپذیر، قبولشان نکن، توی ذهنت اصلاً تکرارشان نکن من یک بار توی مترو نشسته بودم ۱۱ نفر توی اون قسمتی که من نشسته بودم بودند داشتن رو صندلیها با هم در مورد اینکه گرانی است و اوضاع اقتصادی این جوری است و سیاستمدارها دارند این کارها را می‌کنند داشتند صحبت می‌کردند من تو تمام ۴۰ دقیقه ای که تو مترو با اینها همسفر بودم داشتم ذهنی روی خودم کار می‌کردم به تو که خدا رزق با برکت داده خدا که همیشه حواسش به تو بوده تو که

به پست هر سیاستمداری که خوردی، حالا نخوردی‌ها، تو که به پست هر سیاستمداری می‌خوری سیاستمدار خوبی هست، تو که عالم و آدم بسیج میشوند تا کار تو را راه اندازی کنند. یکی از خانم‌های در مترو دستش رو محکم زد روی پاش و گفت: آدم در این شرایط برود بمیرد راحت است. من سریعاً در خودم مریم در این شرایطی که خدا این همه حمایت می‌کند وای چقدر زندگی کردن لذت بخش است. بچه‌ها من تمام حرف‌های آن ۱۱ نفر را قبول داشتم تمام حرفهای آن ۱۱ نفر درست و واقعیت بود، اما برای صلاح مملکت خودم حق نداشتم ناخودآگاهم را با آن پر بکنم یکبار یک واقعیتی را شنیدی باشد این واقعیت است تمام، گوشه‌ی ذهنت بگذار حالا شروع کن روی مغز خودت کار کن. عزیزان من میزان برکت رزق شما بستگی دارد به میزان ناخودآگاه و عقل قوی شما! در ناخودآگاه شما هر چه قدرت گرفته باشد در زندگی شما همان جاری می‌شود.

بابای محترمی عاشق اخبار جنایی روزنامه‌ها، تلویزیون، الانم که شبکه‌های مجازی است اخبار می‌خواند فلانی فلانی را کشت بعد می‌نشیند نیم ساعت پردازش ذهنی: عجب جامعه‌ای مردم چجوری شدند، به پسر خودش رحم نمی‌کند، آخر این چه اوضاعی هست ما نمی‌دانیم باید در این شرایط چه کار بکنیم، آدم دیگر اعتماد به ... بابا ول کن! یک دانه اتفاق خواندی درش را ببند برای چه داری تکرار میکنی بعد محصول تکرارش ایشان به دخترش می‌گوید: دانشگاه می‌روی برو، اما تمام واحد هایت را روز بردار شب برداری‌ها دزد‌ها و قاتل‌ها شب بیرون هستند. دختر خانم ۴ سال دانشجو تمام واحد‌ها را روز بر میدارد روز پایان تحصیلاتش جشنی که میگیرند برای فارغ‌التحصیلی ایشان در دانشگاه می‌خورد به اذان مغرب و دیر می‌شود همان شب سر دختر خانم را در کوچه‌ی خودشان گوش تا گوش می‌برند روی جوب می‌گذارند بفرما پدر محترم محصول ناخودآگاه خودت را بهره برداری کن بچه‌ها مثال واقعی است واقعی! درد آمد با خودت داری چیکار میکنی.

ما روایت داریم: میزان داده‌های پروردگار به هر کسی به اندازه‌ی حسن ظن آن آدم به خداست. چقدر خوب نگاه میکنی چقدر خوب به اتفاق‌های اطرافت نگاه میکنی، چقدر خوب می‌توانی قدرت خدا را در

زندگی خودت بزرگ کنی، چقدر خوب می توانی قدرت خدا را در ذهن خودت پردازش کنی، چقدر می توانی عقل کنی، چقدر خدا را در زندگی حاضر و ناظر می بینی، چقدر خدا را هر لحظه زندگی جا می دهی، هر چقدر قدرت ناخودآگاه و عقلت روی مؤثر بودن خدا در تک تک لحظات زندگی بیشتر، هدایای پروردگار به شما بیشتر!

یک مثال قشنگ، یکی از دانشجویان کلاس اصلاً پریود نمی شد موقعی که مباحث را می شنود شروع می کند برای خودش زمان می گذارد پنج تا دهم هر ماه من پریود میشوم راحت آسون سریع خدایا شکر. بعد ذهنش را رویش نگه می دارد بعد محصولش میگفت: از موقعی که دارم این کار را میکنم خیلی راحت سر آن تاریخی که می خواهم پریود می شوم منی که قبل ۶_۷ ماه یکبار حتماً با آمپول باید پریود می شدم الان خیلی راحت با قدرت ناخودآگاهم. نوش جاننت عزیزم، نوش جاننت!

آیه ی ۱۰۹ سوره یوسف: در زمین سیر کن، بنگر، ببین، ببین سرای آخرت و نعمت های آخرت برای پرهیزگاران خیلی بهتر است تعقل کن به آن. این آیه، این آیه دارد به ما چه میگوید؟ بگرد و نگاه کن؛ به چه نگاه کن؟ نعمت آخرت و سرای آخرت؛ خدایا چرا من مرتب بنشینم و به نعمتهای بهشت نگاه بکنم؟ چرا به من می گویی به نعمت های بهشت عقل کن؟ آخر آدم بدون دانش، آدمی که از ساختمان مغزی خودت خبر نداری تو زمانی که مینشینی به آخرت فکر می کنی به نعمات بهشتی فکر می کنی دارد نعمت های بسیار زیبا در ذهنت قدرت می گیرد بعد در زندگی دنیا نعمات بسیار زیبا کسب می کنی. وای خانم جباری ما فکر می کردیم معنی این آیه این است که بنشین به آخرت فکر کن مشتاق آخرت بشوی. بله بله یکی هم این است که بنشین به آخرت فکر کن مشتاق آخرت بشوی اما فقط این نیست که! بچه ها هر کس که به قرآن به این دید نگاه می کند قرآن فقط آمده آخرت ما را آباد کند کاملاً در اشتباه است. خانم جباری یک سوال: الان حیاط خانه ی شما خیلی زیبایی است می شود دلیلش این باشد که شما به نعمت های بهشتی و زیبایی بهشت زیاد فکر میکنید؟ بله، بله، دقیقاً خانم جباری ببخشید ما یک انتقاد داریم به شما: لطفاً انقدر از مباحث دینی و آیات استفاده نکنید که آدم ها را به دنیا علاقه مند کنید دین ما که نیامده به ما بگوید به آخرت فکر کن پولدار بشوی، خانه ات خوشگل تر بشود، ما قرار است به آخرت فکر کنیم مشتاق خدا بشویم!؟

آدم همه چیز دان که لحن مثل آدم هایی است که فلسفه و فیلسوف اند در دنیا، باهوش، دین ما یک وجه ندارد قرآن و آیاتش یک طرفش را نگاه نکن. بله قرار است به خدا نزدیک بشوی؟ بله، قرار است نعمت های بهشتی دریافت کنی؟ بله، قرار است از دنیا کنده بشوی؟ بله، قرار است ثروت در دنیایت هم زیاد بشود.

چرا منبری های ما این را به ما آموزش نمی دهند نمی دانم. پس قسمت اول بحث: تمام تلاشت را بگذار هر واقعیتی را در ذهنت مخابره نکنی به هر واقعیتی پردازش ذهنی نداشته باشی در جلسات قبل گفتیم: اجازه نده منفی در ذهنت قدرت پیدا کند؛ در این جلسه می گوئیم: اجازه نده واقعیتی را که نمی خواهی در ذهنت قدرت پیدا کند. به دوستش زنگ می زند می گوید: نمی خواهی پولم را بدهی؟ دوستش می گوید: نه، به مولا قسم اگر پولت را به تو بدهم دیگر به من زنگ نمیزنی تو تنها کسی هستی که در تنهایی

هایم به من پیام می دهی، زنگ میزنی حال و احوال می کنی. این یک واقعیتی هست که تو دوستش نداری حالا می توانی در ذهنت چه چیزی را بزرگ کنی اینکه چقدر قشنگ گفت ندارم رزق من هم که دست این آدم نیست حالا جواب آن دوست را چه می دهد را کاری نداریم ما اصلاً بحث مان کنترل ناخودآگاه ات است میتوانی بد و بیراه به آن آدم بگویی اما بعدش شروع کنی ناخودآگاه خودت را کنترل کنی نه اینکه دو ساعت بنشینی و به این فکر کنی که بیا این هم رفیق! خانم میگوید: ۶_۷ مرتبه هست که یک سری وسایل را می خواهم اصلاً یادم نمی آید کجا گذاشته ام یا مرتب چک می کنم چراغ را که خاموش کردی گاز را خاموش کردی خانوم جباری این ها علامت آلزایمر هست ها!!! تو داری یک واقعیتی را تکرار می کنی که نمی خواهی چرا هی داری تکرار می کنی اینها علامت آلزایمر است شاید آن لحظه قرار نبوده یادت بیاید برگرد روی چیزهایی که، این همه شعر تو حفظ هستی، یکبار فلانی به تو جمله ای را ۱۰ سال پیش گفته تو هنوز آن جمله را یادت هست به جای اینکه بگویی فراموشی گرفتم بگو حضور در لحظه ام زیاد نیست خدایا کمک کن حضور در لحظه ام را بالا ببرم آن لحظه حواسم جای دیگر بود. آخر چقدر بی عقلی، علیه خودت کار کردن! آقای ابوعلی سینا استادش به او می گوید هر کاری می کنی زیاد تکرار کن حافظه ام دارد قوی می شود، حافظه ام قوی می شود، دارد قوی می شود، حافظه ام دارد قوی میشود بعد از تکرار های زیادی که ایشان از درخت داشت بالا می رفت ، بازی می کرد ، داشت غذا می خورد، تکرار زیاد این بعد می گوید من یواش یواش توانستم دو سه ماهگی خودم را یادم بیاورم که آسمان سوراخ سوراخ بود . جویا که می شوند می بینند مادر ایشان در حیاط موقعی که این بچه بوده ۲_۳ ماهه ، چون نمی خواسته مرغ ها به او نوک بزنند روی زمین که می خوابانده اش ، آبکش می گذاشته که از صدمه ی این مرغ ها و خروس ها در امان بماند بعد ابو علی سینا آسمان را سوراخ سوراخ می دیده .

خانم جباری جان یک سوال ، ما رفتیم بخاطر همین فراموشی مان پیش پزشک ، از پزشک هم داروی اعصاب گرفتیم برای اینکه فراموشی و آلزایمر مان بیشتر نشود خوب الان ما هم داریم دارو میخوریم هم بیابیم تلقین کنیم به خودمان مرتب بگوییم که روزبه روز حافظت دارد قوی تر می شود قوی تر می شود بعد حافظه ما قوی تر می شود؟ ما که باور نداریم به قول شما باور ما انقدر تکرار شده که حافظه ام ضعیف است ضعیف است ضعیف است همه چیز را فراموش می کنم که هیچ چیزی یادم نمی ماند خانم ، حالا مرتب من تکرار کنم حافظه ام دارد قوی میشود که دروغ دارم به خودم می گویم ؟

جواب: عزیز من برگه ی کاغذ جلویت بگذار، چیزهایی که همین الان یادت هست میدانم قندان کجاست، می دانم گاز چگونه روشن می شود، میدانم، میدانم ،میدانم ،خاطره های قدیمی، این شعر را حفظ هستم ،این را می دانم ،بگذار ذهنت از بعد این ...به چه حافظه ای دارم حالا بیا کنارش دکتر طب سنتی ،چگونه می شود حافظه را زیاد کرد ؟ یک ذره از مثلاً کُندر خوردن ، حلیمه خوردن، حالا بیا با ذکر ها لا حول ولا قوة الا بالله ،یا خیر الحافظین ،یعنی مجموع تمام نیرویت را بگذار برای اینکه ناخودآگاهت را قوی بکنی حتی می توانی باعقل کردن ،سرعت بهبود حافظه را سریع تر بکنی بنشین تعقل کن . دانشمندان ما گفتند هر ۱۱ ماه یکبار بدن کلاً جدید می شود . قدرت خدا را ببین این دست آن دستی که ۱۱ ماه پیش داشتی نیست البته بعضی از دانشمندان میگویند ۷سال یکبار اما خوب بعضی ها هم می گویند ۱۱ ماه یکبار ،یعنی این حافظه ای که تو الان داری حافظه ی ۱ سال پیش یا ۷ سال پیش نیست کلاً جدید شده

سلول سلولی که جدید شده آیا توانایی این را ندارد که تمام اطلاعاتش را بخاطر بسپارد؟ چیز نو که دوامش خیلی قوی تر است. خدای من چه شاهکاری برای ما گذاشته. خداوند علم تمام آسمانها و زمین را می داند خدایا حافظه ی قوی و علم قوی روزیم کن. آا خدا میداند که تو فردا چه می خوری، خدا می داند که دختر ۲ ماهه تو الان ۱۰ _ ۲۰ سال دیگر با چه کسی ازدواج می کند، خدا می داند دختر ۲ ماهه تو چه سرنوشتی را خواهد داشت، می داند، می داند، می داند اصلاً مرتب با کلمه ی می داند خدا تعقل کن قدرت عقل را زیاد کن

بعد اصلاً می بینی که حافظه ام دارد روزبه روز بهتر می شود. بچه ها با عقل کردن سرعت بهبود ناخودآگاه ما خیلی سریع تر میشود اما با ناخودآگاه این جوری نیست ناخودآگاه خیلی باید زحمت بکشی بعد اصلاً گاهی از اوقات آن محصول را نمی بینی اما با تعقل سرعت به دست آوردن محصول بیشتر میشود. این چند تا مثال را گوش بدهید و پس بعدی کامل توضیحش میدهم چرا .

هر چی که خراب...

در اثر تکرارهای زیاد خسته ام، حوصله ندارم ساعتای خوابش خیلی زیاد شده، هر کار میکنه که خوابش کم بشه نمیشه، از این همه تلف وقت خسته شده، چکار کنه؟

□ هرچی که خراب کردی، میشه جبران کنی، پاشو پاشو با تعقل زندگیتو عالی کن، پاشو پاشو با تعقل همه چیو زیر و رو کن

شروع کرده به تفکر مدام حداقل ۲۰ دقیقه طول روز، لذت های روز قیامت، اونجا هوش از سرت میبرن، پاشو واسه ی اون لذت ها، پاشو واسه اون شرایط از لحظه هات استفاده کن، اینقدر هیجان اونجا رو به خودش تلقین کرده واقعا خوابش کم شده،

□ هرچی که خراب کردی، میشه جبران کنی، پاشو پاشو با تعقل زندگیتو عالی کن، پاشو پاشو با تعقل همه چیو زیر و رو کن

بر اثر دروغ گفتن زیاد چهره فرزندش خیلی بی نور، سبزه تند رو به آفریقایی ها شده، حالا که فهمیده مال دروغ های خودش بوده خیلی ناراحته، همه چیو که خراب کردم

□ هرچی که خراب کردی، میشه جبران کنی، پاشو پاشو با تعقل زندگیتو عالی کن، پاشو پاشو با تعقل همه چیو زیر و رو کن

شروع کرده با تکرار زیاد عقل کردن به قدرت حمایت خدا، بین الطلوعین بیدار شدن، فکر کردن به اینکه بین الطلوعین بیدار بشی نور چهره ات بیشتر میشه، ائمه این زمان رو بیشتر دوست دارن، دروغش رو تبدیل کرده به صداقت، دروغ گویی رو کاملاً گذاشته کنار، الان چهره همون فرزند با مزه، نورانی، نمکی شده

□ هرچی که خراب کردی ، همیشه جبرانش کنی، پاشو پاشو با تعقل زندگیتو عالی کن، پاشو پاشو با تعقل همه چیو زیر و رو کن

در اثر فکر کردن زیاد به گرونی و فقر و تورم ، هیچ وقت شرایط اونجوری نبوده که راحت بتونه خرج کنه ، الانم که فهمیده مال تکرار های قبلی خودشه ، همش داره تکرار میکنه من شرایط رو اینجوری خراب کردم .

□ هرچی که خراب کردی ، همیشه جبرانش کنی، پاشو پاشو با تعقل زندگیتو عالی کن، پاشو پاشو با تعقل همه چیو زیر و رو کن

شروع کرده تفکر کردن به رزق رسونی خدا ، چجوری برای حضرت یوسف از شهرش دور افتاد ، زندگی توی قصر پوتیفار روزیش کرد؟ چجوری حضرت یوسف توی زندان افتاد بعد عزیزی مصر بهش داده شد خوب تو هم به رزق رسونی خدا زیاد فکر کن ، یهوپی همسرش سه تا پله ارتقاء کاری ، حقوق چهار برابر ، همش رو میداد دست خانم و واقعا گشایش مالی پیدا کرد.

□ هرچی که خراب کردی ، همیشه جبرانش کنی، پاشو پاشو با تعقل زندگیتو عالی کن، پاشو پاشو با تعقل همه چیو زیر و رو کن

از بس غذاهای فست فودی و سرد خورده بدنش بسیار سرد ، کم خونی زیاد داره ، فهمیده خودش کرده نگران خراب کاری های گذشته خودشه

□ هرچی که خراب کردی ، همیشه جبرانش کنی، پاشو پاشو با تعقل زندگیتو عالی کن، پاشو پاشو با تعقل همه چیو زیر و رو کن

شروع کرده با تفکر ، با بسم الله الرحمن الرحيم ، با قدرت و مهربونی خدا داره غذا میخوره ، به خودش میگه چجوری پیغمبر گفت ، به غذای سمی خوند ، اثر سم از بین رفت ، خدا برای من کن فیکون میکنه ، شروع کرده به غذاهای گرم و خونگی و سالم و سبزی خوردن و اینا، اما توی فکرش هم با تعقل داره هی فکر میکنه ، خدا با قدرتش برام جبران میکنه ، واقعا بدنش گرم و سالم شده

□ هرچی که خراب کردی ، همیشه جبرانش کنی، پاشو پاشو با تعقل زندگیتو عالی کن، پاشو پاشو با تعقل همه چیو زیر و رو کن

قرار بود سردی بدنش با تمرین هایی که داره میکنه دو سال طول بکشه خوب شه ، اما الان با تعقل یه ماهه خوب شده

□ هرچی که خراب کردی ، همیشه جبرانش کنی، پاشو پاشو با تعقل زندگیتو عالی کن، پاشو پاشو با تعقل همه چیو زیر و رو کن

از بس ترس و نگرانی زیاد داشته فرزندش میزانی کند هوشی داره ، فهمیده این خنگی پسرش مال نگرانی های خودش بوده ، نگران خراب کاری های قبلس شده دیگه آرامش روحی نداره

□ هرچی که خراب کردی ، همیشه جبرانش کنی، پاشو پاشو با تعقل زندگیتو عالی کن، پاشو پاشو با تعقل همه چیو زیر و رو کن

شروع کرده به قدرت خدا تکیه کردن ، عقل کردن، خدا تا حالا حمایت کرده ، خدا با همه قدرتش صاحب رزق همه است ، خدا تا آخر زندگیم حواسش بهمه ، خدا تا آخر دنیا حواسش به رزق و روزی من، جای خواب من ، جای خواب بچه من هست ، شروع کرده نسبت به این تفکر ، تعقل ، خوندن آیه ۳۵ سوره نور به غذا ، هوش بچه اش داره بیشتر میشه، باور میکنی؟

□ هرچی که خراب کردی ، همیشه جبرانش کنی، پاشو پاشو با تعقل زندگیتو عالی کن، پاشو پاشو با تعقل همه چیو زیر و رو کن

فهمیده چون صبرش کمتر شده و بد اخلاق تر شده ، اعتیاد و مشروب خوری همسر داره بیشتر میشه ، خیلی ناراحته از این اوضاع که خودم خرابش کردم .

□ هرچی که خراب کردی ، همیشه جبرانش کنی، پاشو پاشو با تعقل زندگیتو عالی کن، پاشو پاشو با تعقل همه چیو زیر و رو کن

شروع کرده روزانه یک ساعت تعقل کردن ، نمازهاش رو خیلی عمیق خوندن ، صبرش رو سریع بالا بردن ، در عرض دو ماه اعتیاد همسرش ترک شده ، خودش تقاضا کرده میخام مشروب رو هم بگذارم کنار

□ هرچی که خراب کردی ، همیشه جبرانش کنی، پاشو پاشو با تعقل زندگیتو عالی کن، پاشو پاشو با تعقل همه چیو زیر و رو کن

پاشو پاشو با تعقل همه چی رو زیر و رو کن ، اصلا قدرت تعقل یه قدرت هیجان انگیزه توی ما ، واقعاً اینکه زمان حضرت مهدی عقل هر مرد ۴۰ برابر میشه ، ما تازه اون موقع می فهمیم قدرت عقل ما چقدره ، اما تفاوت عقل و تفاوت ناخودآگاه ، موقعی که شما داری با ناخودآگاه روی یه مثبتی زوم میکنی و یه واقعیتی را که خودت میخوای داری به خودت تلقین میدی امکان اینکه این نعمت را کسب بکنی خیلی زیاده ، مثل همین چهره دختر خانمی که مادرش خیلی زوم کرده روی زیبایی تمام فک و فامیل و اعلام کرده که هر چی زیباییه میکشه دختر من و خوب دخترش خیلی خوش چهره شده ، اما به دلیل اینکه با ناخود آگاه کارکرده غرور خانم هم زیاد شده ، من می توانم ، من روی خودم دارم کار می کنم ، من ذهنمو کنترل می کنم ، من هستم که مدیر زندگی ام هستم ، اینو ما تو قانون تواضع کاملاً توضیح می‌دیم ، اما خوب اینجا به اختصار بگیم غرور نعمت از بین میبره ، الان شما دختر بسیار زیبا داری اما مثلاً همین دختر فحاش میشه، دلیل فحاشی دخترش چیه ؟ عقل نکرد دیگه ، به خاطر ناخودآگاهش میزان غرورشو اضافه کرد. روانشناسی غرب فعلاً تا همینجا فهمیده ، تا اینجا فهمیده که شما با ناخودآگاه و تکرار هات ، تکرار هات رو دست خودت بگیر ، من خودت را آباد کن ، هنوز متوجه این قسمت نیست که بابا جان خیلی از اوقات وقتی میای من خودتو نگاه می کنی خوب غرورت میره بالا ، غرورت بره بالا بعد سد نعمت به وجود میاد ، اما زمانی که خانم همین رو تعقل میکنه ، خدا ببین به پدر بزرگم چه

زیبایی داده ، چه چشمای قشنگی ، خدایا تو میتونی چهره فرزند منو هم زیبا کنی ، ببین ماشاءالله ماشاءالله ! چه هیكلی داره مامانم ، وای خدایا تو میتونی هیكل دختر منو خیلی زیبا کنی ، من هرچی دارم از تو دارم ، وقتی با تعقل داری یه نعمت رو تو زندگی خودت جاری می کنی و با قدرت مند کردن عقلت ، یعنی در سایه خدا داری توانمند میشی ، هم نعمتت زیاد میشه ، هم کنارش تواضعت زیاد میشه ، بعد یواش یواش در سایه عقلی که داری بهره برداری می کنی ، قدرتمند میشی در حدی که خدا تو رو میکنه یکی از اشخاص مشهور جهان ، چون فوق العاده شما متواضع شدی ، بعد ما از امام کاظم داریم عقل هست که تواضع خلق میکنه ، یعنی چی خانم جباری ؟ یعنی خدا به هیچ متکبری نعمت زیاد نمیده ؟ شهرت زیاد نمیده ؟ به هر کسی که غرور داره نعمت رو و اسش نمی آفرینه ؟

ای بابا ! خدا به همه ما صبر بده ، یکم صبر کن تا قانون تواضع ، خدا اگر یکی رو خیلی دوست داشته باشه ، ببینه غرور داره و دادن اون نعمت بهش ضربه میزنه و پایینش میاره معمولاً نمیده بهش ، اما توضیحات کاملش مال قانون تواضع هست . خواهشا ادمین های گروه رو مچل نکنید در مورد مطالبی که هنوز کامل توضیح ندادیم ، بذارید قانون غرور و تواضع رو کامل توضیح بدیم بعد خودتون دریافت می کنید موضوع چی بود ، فعلاً صبر کنید ، آقایی می گفت : من چهار پنج ماه تکرار می کردم همه جهان در اختیار منه ، همه به حرف های من گوش میدن ، بعد یواش یواش متوجه شدم سگ ها و گربه ها دارند به حرفم گوش میدن ، به سگه میگم بشین ، میشینه کلی احساس اطاعت و اثر دریافت کردم از این جمله خب آقای محترم کم عقل ! کلی هم داری بابت این جمله غرور تولید می کنی ، بعد با غروری که اجازه نمیده یه سری از نعمت هات اضافه بشه میخوای چیکار کنی ؟ بعد با غروری که تو را از خدا دور میکنه میخوای چیکار کنی ؟ بعد با غروری که راه نورانی ات رو تو جهان برای رسیدن به هدایت ۱۰۰٪ تو ، برای رسیدن به رسالت و دارمات احتیاج داری به تواضع و اون نور ، وقتی که این نوره نیست در اثر این غروری که داری تولید می کنی میخوای چیکار کنی ؟ غرور آرامش روان و قلب مطمئن آدم رو کم میکند ، بعد اون موقع با تولیدی این دو تا چیکار می کنی ؟ مثلاً ، مثال خطرناک آقایی که زیاد تکرار می کرده مالم سود میکنه ، مالم سود میکنه ، مال من سود میکنه ، همیشه مال من در حال سود کردنه ، مال من فوق العاده سودش داره اضافه میشه ، من ، من ، من ، من ، تکرار ناخودآگاه ، بعد تهش واقعا با آقایی آشنا میشه که مالش سود آنچنانی می کنه ، اما به خاطر غرور تولیدی که این آقا را گرفته بوده که بابا ما هر چی داریم میگیم اتفاق داره می افته ، سه سال بعد با دوستی که پشت فرمون مست نشسته بوده تو ماشین ایشون تصادف میکنه و معلول میشه ، حالا اگر شما می نشستی با تعقل کردن عقلتو قوی می کردی ، دیگه اینجوری این ضرر رو نمی کردی ، غرور پیدا نمی کردی که متحمل این ضرر بشی ، خیلی بهتر بود عقل می کردی ، تعقل به اینکه خدا چقدر سود منو اضافه میکنه ، خدا بابت کدوم عمل داره سود زیاد به من میده ؟ خدایا دلیل اینکه سود زیاد داری به من میدی چیه ؟ خدایا سود زیاد به من میدی از من چی میخوای ؟ ای خدایی که یوسف رو عزیز مصر کردی ، سود کلان بهش دادی ، ای خدایی که همه اموال ایوب رو بهش برگردوندی تازه بهتر از قبل ، خدایی که تمام سودها دست تو هست من عاشق توام ، خدایا تو چه قدرتی داری تو رزق رسونی ، از کجا سود منو می دونستی ؟ خدایا زندگیم یه جوریه شده انگار تو داری برام تجارت می کنی ووووو ، اینا شدن تعقل ، اگر این جوریه می نشست فکر می کرد هم سود می کرد ، هم این صدمه جانی را دریافت نمی کرد ، هم آرامش روان

داشت ، هم قلب مطمئن داشت ، هم نور زیاد داشت برای مسیر خودش ، از امام صادق داریم عقل زیرکی و فهم و دانش میاره ، با عقل به کمال می رسیم ، عقل بینا کننده مسیره ، با عقل فهیم میشی ، پاسخ چراها و چگونه ها را با عقل می فهمی ، دغل کار و خیرخواه را با عقل تشخیص میدی و هرگاه این را دانستی ، مسیر حرکتت کاملاً معلوم و مشخص خواهد بود ، پس وقتی از ناخودآگاه استفاده می کنیم ، یعنی فقط به وسیله تلقین داریم یک نعمتی رو وارد زندگی مون می کنیم ، اما امکان داره همون نعمت برای ما یه عالمه عارضه داشته باشه ، اما زمانی که به جای تلقین از عقل مون استفاده کنیم ، با قدرت عقل مون و تعقل کردن زیاد ، حالا تو هر موضوعی که می خواهیم ، وصل کردنش به خدا خواص فوق العاده زیادی دارد :

خاصیت ۱ : تواضع به وجود می آید .

خاصیت ۲ : نعمت مون زیاد میشه .

خاصیت ۳ : آرامش روان پیدا می کنیم .

خاصیت ۴ : قلبمون مطمئن میشه .

خاصیت ۵ : نور برای تشخیص راه داریم .

خاصیت ۶ : زیرکی پیدا می کنیم .

خاصیت ۷ : فهممون افزایش پیدا میکنه .

خاصیت ۸ : عقلمون به کمال می رسد .

خاصیت ۹ : تجزیه ، تحلیل مون زیاد میشه .

خاصیت ۱۰ : رسالت و راهمون رو پیدا می کنیم

من الان در اثر کار کردن روی عقل و تعقل کردن زیاد به این رسیدم که صوت صدای ویسهایی که برای شما ضبط میکنیم (کل ویس کلاسهای بانوی مقتدر) برای آقایون درست نیست ، من از زیبایی صوت زنانگی صوت ، جذابیت صوت ، بالا و پائین کردن صوت ، شادی بسیار زیاد در صوتها استفاده میکنم ، گاهی از اوقات تو صوتها خندیدن زیاد دارم ، البته خندیدن کم ایراد ندارد ولی خب صدای خندیدن بلند ایراد دارد.

- خانوم جباری سخت میگیرین شما ، مذهبتش میکنین !!

عزیز من مذهب چیه؟! ما داریم با قانون میریم جلو ، روانشناسی در حال حاضر و علم متوجه شده که زنانگی صوت صدای یک خانوم سلولهای مغز مرد را تحریک میکند ، بعد هوش و نبوغ مرد را از او میگیرد ، برای چی صوت صدای خیلی برای تختخواب نیاز هست؟! چرا؟! چون صدای عقل آقا را میندازد ، هوش را میندازد و مستی بوجود می آورد.

- حالا من بابت اینکه این منفی را بوجود نیاورم و هوش مردان جهانم را کم نکنم و با صوتم مسبب این نشوم که هوش مردان جهانم کم بشود به همین خاطر

حالا هر کدام از شما که اصرار دارید این مباحث را آقایونتون گوش بدید میتونین اولین دوره مجازی را که برگزار شده و صوت من اونجا کاملا برای آقایون مناسب هست را گوش بدهید و من همین امروز به مناسبت میلاد با سعادت پیغمبر صلی الله و علیه و آله ویسهای دوره اول مجازی را رایگان میکنم ، این هدیه از امروز به بعد هست بچه ها ، هدیه آقا رسول الله به شماها.

هر خانومی خواست در گروه بانوان لطیف و مقتدر عضو بشود و ویسها را گوش بدهد هزینه دارد ، هر ده جلسه ۴۰ هزار تومان ، اما ویسهای دوره قبل مجازیمون که آقایون هم میتونستن استفاده کنن الان کاملا رایگان شد ، از ادمینهای گروه تقاضا کنین تو این کانال شما را عضو کنند.

*حالا بریم سر درس ؛

- اینکه تو متوجه میشوی با لحن و صوتت داری هوش مرد نامحرم را کم میکنی ، این باعثش تعقلی هست که کردی !!

- جالبه ، من جزو دختر خانومهایی هستم که خیلی وقتها پدرم که به خانه می آید میگوید ؛ مریم صدای خندیدن و قهقهه تو تا سر کوجه میاید ، من تازه پارسال تونستم میزان زیادی تسلط روی خنده هام پیدا کنم. عشق من ، هر جایی که آدم قهقهه نمیزند ، بگذریم.

* خاصیت یازدهم عقل ؛ حکمت هست از آقا امیرالمومنین علی علیه السلام داریم ؛ عقل حکمت استخراج میکند ، یعنی شما هر چقدر بیشتر تعقل میکنید روی قدرت خدا ، حمایت خدا ، جمله بندیها و تلقینها رو هی به قدرت خدا وصل میکنید قدرت تعقلتان را بالا میبرید ، عقلتان قوی میشود حکمتتان زیاد میشود.

مثلا ؛ یک فرد پولدار پولش را در بورس سرمایه گذاری میکند ، بعد ضرر میکند ، سریعاً پولش را بر میدارد و شروع میکند خودش کار و کاسبی راه می اندازد ، تو اون کار و کاسب هم ضرر میکند ، اما عقلش به او حکم میکند که ایستا ، صبر کن ، در کارت بمان ، مداومت کن خدایا حمایتت میکند ، خدا با صابران هست ، خدا قول داده حمایتت کند ، راه تو همین هست ، محکم و مقاوم جلو میرود ، بعد از ۱۲ سال یک شرکت بزرگ میزند ، حالا تو این ۱۲ سال چه چیزی کمکش کرد؟؟

- میزانی حکمتش ، حکمتش از کجا آمده بود؟؟

- از تعقلش ، از بس نشسته بود و اندیشه کرده بود عقلش زیاد شده بود.

- حالا یه خانومی با آقای ازدواج کرده ، ۸ سال گذشته ، از ۶ سال قبل از ازدواجش هم اصرار داشته با همین آقا ازدواج کند ، حالا بعد از ۸ سال متوجه شده که ؛ نه انتخابم اشتباه بود!!

چرا بعد از ۱۴ سال تازه فهمید که انتخابش اشتباه بوده؟؟

- به خاطر اینکه به آیات خدا تعقل نداشت.

- آفرین چرا ۶ سال اصرار داشت که با همین آقا ازدواج کند؟؟

- به خاطر اینکه از ناخودآگاهش استفاده میکرد و تلقین میداد من این پسر را میخواهم ، فقط همین پسر ، با هیچ کس دیگری خوشبخت نمیشوم و محصول ناخودآگاهش بعد از ۶ سال شد ازدواج با این پسر.

- خب آدم حسابی ۱۴ سال پیش مینشستی تعقل میکردی ، عقلت را بکار می انداختی ، قدرت عقلت رو با تعقل کردن بالا میبردی ، اگه اینکار رو میکردی همون ۱۴ سال پیش عقلت کمکت میکرد و بهت میگفت این آدم مال تو نیست ، حکمت پیدا میکردی که ازدواج من با این آدم به صلاح نیست ، از این آدم بکن.

*خاصیت دوازدهم عقل ؛ خوش گمانی هست

- از آقا امیرالمومنین علی علیه السلام داریم ؛ خوش گمانی از اخلاق عاقلان هست.

خب اینکه خیلی طبیعی هست ، کسی که اخلاق ندارد نگرانی زیاد داشته باشد ، وقتی به قدرت بزرگ خدا ، عقل و ناخودآگاهت را وصل نمیکنی معلومه که همه چیزهای کره زمین ناامن و متزلزل هست ، امروز امکان داره این شخص با تو دوست باشد و فردا دشمن ، امروز امکان داره تو این خانه بشینی ولی فردا به دلیل مشکلات مالی مجبور باشی این خانه را بفروشی.

- تمام چیزهای زمین و بیرونیهایی که داریم متزلزل هستند ، خب خیلی طبیعی هست که وقتی تو ناخودآگاهت را با بیرونیها قوی میکنی ، ناخودآگاهت را بر پایه های متزلزل قدرت

میدهی در نتیجه ناخودآگاه نتونه قدرت کنه ، نتونه خوش گمان باشه و خوب فکر کند ، نتواند به عالم و آدم نگاه کند و به قسمتهای خوبشان خوش گمانی کند.

- اما برعکس ، زمانی که شما می آبی و هی با تعقل قدرت عقلت را بالا میبری ، ببین خدا صاحب هست ، تو برای خدا کار کن ، امروز از اینجا نرسید از هزار جای دیگر میرسد.

* کسی که با قدرت خدا خودش را محکم میکند ، با قدرتی که هیچ تزلزلی در آن نیست این آدم میتواند به همه آدمهای جهان خوب فکر کند ، اصلا تحت تاثیر کسی یا موقعیتی قرار نگیرد.

- یک ثروتمند کله گنده از بهلول میپرسد که آیا شباهتی بین من و تو هست؟؟

بهلول سریع میگه بله ،

اول ؛ اینکه جیب من و کله شما هر دوتاش خالی هست

دوم ؛ اینکه کله من و جیب شما هر دوتاش پر هست

- جاااانم بهلول ، عجب رندی داره تو جواب دادن ، اصلا موقعیت طرف مقابل بر اش مهم نیست ،

چی شده که برای بهلول اینقدر مقام و موقعیت آدمها اینقدر راحت کنار می آید؟؟

حکمت زیادش در اثر قدرت عقلش.

حالا به مردم خوب فکر کن ، تو با جواب راحتی که به این آدم می دهی این آدم هیچ آثاری ، هیچ آزار و اذیت نمیتواند به تو برساند ، اتفاقا از تمام عالم و آدم به خیر میرسد.

- چه کسی میتواند اینقدر خوب فکر کند؟؟

کسی که با تعقل قدرت فکرش را زیاد میکند.

- کسی آمد خدمت پیامبر صلی الله و علیه و آله و با ایشان گفت ؛ تو ماه مبارک رمضان قرآن میخوندم، به یه آیه رسیدم ، اینقدر تو این آیه به فکر رفتم که هر بار خواستم لای قرآن رو باز کنم دیدم هنوز تفکرم به آیه قبلی ادامه دارد و دیگه نتونستم بقیه قرآن رو بخونم و الان ناراحتم که نتونستم قرآن رو ختم کنم ، حضرت فرمودند ؛ اتفاقا تو درست قرآن خوندی !! آفرین که داری عقل میکنی با قرآن.

*خاصیت سیزدهم عقل ؛ پیشی گرفتن به سمت بهشت

- از آقا امیرالمومنین علی علیه السلام داریم ؛ در قیامت گروههایی هستند که به سوی بهشت از دیگران پیشی میگیرند ، سبقت میگیرند (مسابقه آقا بدو بریم) حالا اینها ویژگیشان اهل نماز ، روزه ، حج عمره.... زیادی نیستند ، آدمهای معمولی هستند با نماز و روزه معمولی ، اینها ویژگیشان این هست که در موعظه های الهی زیاد تعقل میکنند ، ویژگیشان تعقل زیاد هست.

* بله ، اینقدر عقل خاصیت داره که تو آیه ۲۲ سوره انفال داریم ؛ بدترین جانوران نزد خدا کسانی هستند که تعقل نمیکنند ، و ااااااا ، جانور ااااا ، بله بله بدترین جانوران

ببین تعقل نمیکنی جایگاهت تو جهان هستی از جانوران هم میاد پائینتر ، خود دانی.

* پس با ناخودآگاه دنبال همه مزایا نباش ، اگر تمام نعمتهای کره زمین را میخواهی با تعقل کردن بهشون برس و فوق العاده حواست به قدرت تعقل باشد ، فقط با عقل میشود خوش گمانیت بیشتر شود ، فقط با عقل میشود هوش و حکمتت بیشتر بشود.

- به مثالها خب فکر کن ؛

فقط با عقل

○ از بس بد همسایه ها رو زیاد شنیده دیگه نمیتونه خوش گمان باشه با یک همسایه هم دوست شد تو زرد از آب در اومد

□ • فقط با عقل میشه خوش گمانیت بیشتر شه

فقط با عقل میشه هوش و حکمتت بیشتر شه

○ شروع کرد با عقل حمایت خدا و اینکه قدرت خدا میدونسته چه همسایه ای کنارم بگذاره این بار همسایه ام خیلی بهم لطف داره عنایت خداست به من که از این به بعد همسایه های خوب کنارم میگذاره و واقعا همسایه جدیدش خیلی خوبه البته کمی رک هستش اما خانم تونسته با خوش گمانی به همسایش بعد از اون همسایه های خیلی بهتر دریافت بکنه که الان تو ساختمون ۴ واحدی با همه مثل خواهرش ارتباط داره

□ • فقط با عقل میشه خوش گمانیت بیشتر شه

فقط با عقل میشه هوش و حکمتت بیشتر شه

○ نمیتونست اعتماد کنه به دوست های دخترش که دخترش با دوست های دخترش بره خونشون نه اینکه بخوابه ها ۲،۳ ساعت خونه ی دوستاش باشه با اینکه خانواده ی دوستاش مثل خودش اعتقادی بودند اما در اکثر اتفاق ها به دلیل اخبار هایی که شنیده بود نمیتونست اعتماد کنه

□ • فقط با عقل میشه خوش گمانیت بیشتر شه

فقط با عقل میشه هوش و حکمتت بیشتر شه

○ شروع کرده باورش رو به حمایت خدا زیاد کردن چجوری خدا یوسف رو بدون خانواده حمایت کرد! دختر من رو هم حمایت میکنه

وظیفه ام رو انجام میدم دنبال دوست خوب و خانواده ی خوب واسش هستم اما این همه دغدغه ندارم ذهنم رو منفی پر نمیکنم

این همه فرزند بودن بدون خانواده بزرگ شدن خدا حمایتشان کرده موسی تو کاخ فرعون بزرگ شد و خدا حمایتش کرد خدایا حمایتش کن دخترم دوست خوب پیدا بکنه اتفاقا دخترش دوستی پیدا میکنه که باهم شروع میکنن کار کردن رو خودشون و افزایش صفت میکنن

□ • فقط با عقل میشه خوش گمانیت بیشتر شه

فقط با عقل همیشه هوش و حکمتت بیشتر شه

○ برای پسرش نمیتونسته بره خواستگاری از دختر غریبه میره از فامیل خواستگاری

عقد که میکنن بعد ۶ ماه حجاب دختر کم میشه بعد خلق میشه سر ناسازگاری میزاره آخرش هم جدا میشه چه کنه؟

□ • فقط با عقل همیشه خوش گمانیت بیشتر شه

فقط با عقل همیشه هوش و حکمتت بیشتر شه

○ خانم شروع میکنه با فکر کردن تعقل خدا خدا بخواد تو از غریبه عروس بگیری خدا رزقت رو غریبه گذاشته باشه اون موقع چی؟ چرا اصلا ائمه میگن با غریبه ازدواج کردن نسل رو قوی میکنه فکرش رو عوض میکنه تکرار تکرار که خدا قراره حمایت کنه خدا قراره فامیل خوب در کنارم بگذاره عروس از غریبه میاره الان تز دخترش باهش صمیمی تره

□ • فقط با عقل همیشه خوش گمانیت بیشتر شه

فقط با عقل همیشه هوش و حکمتت بیشتر شه

○ نگران شراکت با اطرافیانسه چون یک بار با داداشش شریک شد و سرش کلاه گذاشته همش میگه یک داداش با ادم این کار رو بکنه دیگه از بقیه چه انتظاریه؟ ایه خاطر همین اصلا نمیتونه اعتماد کنه

□ • فقط با عقل همیشه خوش گمانیت بیشتر شه

فقط با عقل همیشه هوش و حکمتت بیشتر شه

○ شروع کرده به قدرت رزق رسونیه تفکر و تعقل مدام فکر به اینکه این ضرری که الان از برادرم رسید واسه این بود حرف هام رو نمیزدم ار این به بعد حرف هام رو راحت میزنم خدا میخواست بهم درس بده شریک میگیرم به خدا اعتماد میکنم به خدا اعتماد میکنم تکرار زیاد در اثر قدرت رزقی که به خدا اعتماد میکنه و پذیرش اینکه باید بتونه حرف هاش رو بزنه محصلوش میشه یک شریک از خودش امن تر

□ • فقط با عقل همیشه خوش گمانیت بیشتر شه

فقط با عقل همیشه هوش و حکمتت بیشتر شه

آیا با استغفاری که می کنیم منفی هامون پاک میشن؟

بله منفی ها پاک میشن آیا با استغفار و توبه ناخودآگاهم تمیز میشه یعنی وقتی توبه کردیم پاک شد چیزی که تو ناخودآگاهمون کاشتیم درست میشه؟؟

نه عزیز من کجا پاک میشه شما ۳۰۰ دفعه تکرار کردی شوهر خوب پیدا نمیشه، اصلاً آدم خیلی خوب ما ندیدیم، هر خوبی هم که میاد دُمش میزاره رو کولش میره، اینو ۳۰۰ بار تکرار کردی بعد واقعاً هم بابت این ۳۰۰ بارت، هرکی میاد تو زندگی تو هم این اتفاق میافته واسش یا خوبه میره یا کسای رو که جذب می کنی خوب نیستن حالا شروع می کنی استغفار کردن اون ۳۰۰ تا انرژی که با کلامت تو عالم هستی تولید کردی اونا حذف شد ولی اثر این ۳۰۰ تا تو ناخودآگاه ت ۶۰۰۰ تا قدرت گرفته گفتیم هر پیامی که تکرار میشه تو ناخودآگاه ضرب میشه و قدرت میگیره، این ۶۰۰۰ قدرت ناخودآگاه رو که با استغفار کردن نمیشه پاک کرد! حالا باید شروع بکنی پاکسازی ناخودآگاه، ما میریم روضه امام حسین اشک میریزیم روایت داریم روضه امام حسین آدم رو پاک میکنه تمام گناه ها را از بین میبره جوری که از مادر متولد شدی، بله پاک میکنه، اثر اعمال تو در جهان هستی پاک میشه ولی ناخودآگاهی که خودت کاشتی خرابش کردی که سفید نمیشه!

مثلاً خیلی احساساتی، زیاد پیام های احساسات زیاد رو تو ذهنش مخابره کرده مثلاً زیاد به خودش گفته: تو هر جایی که میتونی به کار دیگران بیا، کمک بقیه کن، زیاد کمک بقیه کن، نکنه بقیه در مورد تو بد فکر کنن، یه جوری رفتار کن که همه دوست داشته باشن، نه نیار نه، بدشونو نگو، نه نگو، دل کسی را نشکن، فقط محبت کن از محبت خاها گل میشود، برای چی میخوای حرفتو بزنی از چشمش بیفتی، نمیخواد، محبت کن تو این دنیا به چه کاری می آیم؟ بغیر از دل به دست آوردن

بچه ها اینها همه پیام های مخابره ایه ناخودآگاه یک آدم احساساتی، این آدم در اثر احساسات زیادش منفی صد تا کلام احساساتی بیجا در جهان تولید کرده و در اثر آن منفی صد تا، ناخودآگاهش، هزار تا قدرت پیدا کرده در اثر قدرت ناخودآگاه نسبت به احساسات زیاد الان قلب این خانوم دچار مسئله شده حالا ایشون میره روضه گریه میکنه صد تایی تولیدی منفیش در جهان پاک شد، عین زمانی که اومده روی کره زمین هیچی منفی ازش تولید نشده، اما هزار تایی رو که کاشته تو ناخودآگاهش، قلب دردی که الان داره، (قلب درد در اثر احساسات زیاد) این که از بین نرفت، شروع کن تولید معکوسش ناخودآگاه شما تو هر قسمتی که ضعیفه شروع کنید با تعقل کردن و قدرت پیدا کردن قویش کنید

شاگرد داشتم که میگفت بازی بچگیش این بوده با آمبولانس میرفته بهشت زهرا مثلاً بابای بچه شو دفن کنه، بعد برمی گشته زمانی که ازدواج میکنه بعد از یک سال و نیم همسرش فوت میکنه، با بچه کوچیک میرن همسرش رو واقعاً دفن کنن حالا ایشون الان فهمید به محض اینکه همسرش بیمار شد توی بیمارستان بستریه، ای وای من ناخودآگاهم تو بچگی این بازی رو زیاد میکرده، شروع کن شروع کن معکوسش را ساختن، البته معکوسش را با قدرت تعقل بساز، تصویر ببین:

به لطف خدا تا ۸۰ سالگی ما کنار هم دیگه ایم، بابت نعمت هایی که خدا به وسیله همسر بهت داده شروع کن به شکرگزاری کردن ،

« خدایا متشکرم به خاطر آرامشی که کنار همسرم بهم دادی

خدایا متشکرم به خاطر مسئولیت پذیری همسرم

خدایا متشکرم به خاطر لبخند هاش به خاطر.....□

این شکر ها و نعماتی که از طریق خدا به وسیله همسرت بهت رسیده شروع کن تعقل کردن ،اندیشه کردن، تعقل ،خدایی که از کی برای من نقشه کشیده بودی که با این مرد ازدواج بکنم و این مرد همسر دائمی من باشه، ازش فرزند داشته باشم خیلی خوشحالم از نقشه آفرینش تو، عمر دست خداست ،تو رزق میدی تو میتونی تمام سلولهای بدن همسر من رو تو این بیماری شفا بدی ،خودت اعلام کردی که یک نفری که مریض میشه داره گناهاش آب میشه، تو با تمام قدرتت هوای همسرم رو داشتی و داری الان زندگی همسرم ۱۰۰ درصد دست توئه، چه نعمتیهایی رو برای من تموم کردی ،باور دارم که تو میتونی همیشه اون رو برای من سالم و زنده نگه داری ،نسبت به تمام این جمله ها و جمله هایی که خودتون با عقل خودتون نسبت بهش پردازش می کنید شروع کنید تعقل و اندیشه مداوم و پیوسته

مثلا اگر تو بچگی ۱۰۰ بار بازی کردی و این صد بار هر دفعه ۲۰ دقیقه تقریباً، حسابش کن همیشه دوهزار دقیقه ای که باید تعقل کنید به قسمت حمایت خدا را از سلامتی همسرت ،شما فکر می کنید چرا ما روایت داریم

شما هر گناهی که انجام میدید یک نوری از شما تا قیام قیامت حذف میشه و دیگه هیچ جوری نمیشه اون رو برگردون، چون اگر اون گناهان رو نمیکردی همین الان می تونستی به جای اون گناه ،قدرت تعقل ناخودآگاهت قدرت عقلت رو صد تا ببری بالا، اون نوری که تونستی در اثر گناه نکردن تو قدرت عقلت اضافه بکنی دیگه نمیتونی، دیگه تو هرچقدر هم الان زحمت بکشی، امروز تو داری اضافه می کنی اون لحظه رو

که دیگه نمیتونی دیگه اضافه کنی بریم سراغ قسمت بعدی

تفاوت های جذب و ناخودآگاه انگاری که بچه ها خواسته بودند که یک کم بیشتر توضیح بدیم

۱) توی قانون جذب چون در لحظه است کنترلش خیلی راحت تره، تفاوت اول کنترل راحت تر مثل همین امروز که تعریف کردیم شما در لحظه می تونی با قدرت جذب اثرش رو از بین ببری جاش یه فکر دیگه بزاری خیلی راحت دو دقیقه ای، اما وقتی به یه موضوعی مثل صیغه زیاد فکر کردی زیاد راجبش فیلم دیدی ،خوب دیگه این رفته تو ناخودآگاهت دیگه نمیتونی دو دقیقه ای از تو ناخودآگاهت درش بیاری، ۵۰ تا فیلم دیدی در مورد روابط زناشویی ناخوب، روابط بین خانم و آقا که سر هم دیگه داد میزنن بد دهنی میکنن خشم دارن نسبت به هم، دیگه ۵۰ تا فیلم دوساعت دیدی میشه ۱۰۰ ساعت ،۱۰۰ ساعت باید بشینی با قدرت ناخودآگاه و عقل معکوشش را، دیدن روابط خوب اطرافیان ،دیدن زندگی های

زوجهای موفق، حالا اگر وصل کنی به قدرت خدا و تعقل بشه و باهوش عقلمتو قوی بکنی، اینجوری دیگه ۱۰۰ ساعت نمیخاد ۲۰ ساعت جواب میده، چون قدرت وصل به خدا خیلی بیشتر از قدرت ناخودآگاه

خانم جباری اینجوری که خیلی سخته بله» پاشو پاشو با تعقل همه چیز و زیرو رو کن

آسون نیست اما تلاش کردن میخواد □

لطفاً اونقدری هم که حواستون به کنترل اکنونتون هست و تعقل و حفظ ناخودآگاه در اکنونتون نمی خواد حواستون به گذشته تون باشه .

فعلاً شما جاده از حالا به بعدتون را درست کنین هر جمله ای که الان تکرارش می کنین یه نگاه کن این تو ناخودآگاه قبلم هم هست .

اگه تو ناخودآگاه قبلت بود معکوسش را چندین بار تکرار کن . بنویسش تو زمانهایی که داری به قدرت خدا فکر می کنی در مورد اون موضوع بشین با خدا اندیشه کن .

□ نمی خواد زمان خیلی زیادی بزارید برای گذشته بچه ها ، خیلی حواستون به الان به بعدتون باشه .

الان به بعد را خوب مراقبت کنی ، یواش یواش به خاطر تعدادهای زیاد ناخودآگاه و تعقلی که الان دارید انجام می دید عقل را قوی می کنید ، یواش یواش زور اینا با اونا بیشتر میشه دیگه .

مثلاً ۲۰۰ ساعت را نمیخواد الان یهویی بشینی جبرانش کنی ، همین جوری که خورد خورد مداومت کنی قدرت ناخودآگاهت را می بری بالا .

یواش یواش در عرض یکی دو سال اون ۲۰۰ ساعتهای منفی گذشته تون انشاءالله پاک میشه.

□ تفاوت دوم جذب :

بابا اثرش خیلی کمه ، یه منفی تولید کردی یه دونه برمیگرده .

یه داد زدی یه داد سرت می زدن ولی ناخودآگاه .

کلاً آدم خشمگینیه ، در اثرش مریضیهای متفاوت داره ! رزقش کمه ! ناخودآگاهش توش قدرت پیدا کرده ! دیگه اصلاً تسلط به خشمش نداره ،

محبوبیتش را از دست داده .

خب تمام اینها اثرات اون قدرت ناخودآگاه نسبت به خشمه .

حالا شما یکبار خشمت را کنترل بکنی آیا می توانی استرس هات را کم کنی ؟

آیا می تونی رزقت را زیاد بکنی ؟

آیا می تونی ???

با یه بار که همیشه .

کلی باید ناخودآگاه را کنترل بکنی که کلا" ویژگی خشم از شما برداشته بشه .

□ تفاوت سومش هم اینه :

خیلی قدرتمنده ناخودآگاه ، هم اثر بیشتر ، هم قدرت بیشتر .

□ اثر بیشتر در دریافتی نعمت برای ما

□ قدرت بیشتر تو کنترل ما

شما خشمگین میشی ، مدیریت خودت را از دست میدی .

قدرت تسلط رو خودت میاد پایین ، حالا اثرش که می رود در جهان رزقت را کم می کند این جدا ، وقتی ویژگی خشم بهت تسلط پیدا می کنه یعنی تو ناخودآگاهت خیلی خشمگین شدی که الان تسلط خشم روت خیلی زیاده ، به خاطر همین هم قدرت خیلی زیادی تو را به بند گرفته ، هم اینکه اثراتش تو زندگی فوق العاده زیاده .

اما تو جذب نه یه بار یه حرکتی را انجام میدی که راحت میشه بهش تسلط پیدا کرد . راحت هم میشه اثرش را از بین برد . برا همین حضرت علی میگن مشورت با کسی که عقل نداره نکن .

□ خانم رفته پیش یه مشاور وقت گرفته ازش ، هزینه داره می کنه ، چند میلیونی بعدا" متوجه شده اه خود این خانم مشاور که تو همین زمینه ایکه ازش مشاوره گرفتم خودش تو زندگیش مشکل داره . اصلا" هم اهل تعقل نیست .

از کی داری مشورت میگیری عزیز من ؟

فرزندش خیلی بهونه گوش می گرفته در اثر اینکه گوشش نداره اصلا" گفته درس نمی خونم خانم رفته از همسایه روبرویی که خیلی باهش صمیمیه باهش مشورت گرفته همسایه اعلام کرده بابا پسرت ۱۲ سالشه گوشش بخر بده دستش .

ما باید تو زمان امروز امروزی بریم جلو . یعنی چی ؟

گذشت اون دوره های قبل

پسر من ۱۲ ساله بود ۳ سال گوشش داشت از ۹ سالگی هیچ اتفاقی هم برایش نیوفتاده .

الان هم يه آدم كاسب خيلي موفقه بعد اين خانم همسايه اصلا" خودش نمي دونه پسر كاسب موففش توانايي جنسي نداره .

بر اثر اينكه تو بچگي و حالا صحنه هاي ناجور ديدن خيلي خودش را به اينور و اونور مي ماليده و با خود ارضاعي لذت زياد مي برده . الان ازدواج کرده اما توانايي لذت بردن از همسرش را نداره فقط مي تونه تنهائي ارضا بشه .

بعد اصلا" اين مادر اطلاع نداره پسرش اين مشكل را داره بعد شما ميري از ايشون مشورت مي گيري . اصلا" نمي خواد بدوني كه اين آدم فرزندش چي هست و چه اتفاقاتي واسش افتاده .

نگاه بكن ببين اين خانم زمان ميزاره عقل كنه ؟

خانم جباري يه حرفهائي مي زني ها .

الان تو كشور ما خيلي از آدمها عقل نمي كنند كه .

شما شروع كن از خدا تقاضاي مشاور عاقل كن .

شما هر جايي خواستي يه حركتي انجام بدی از خدا اصلا" تقاضاي عقل برا خودت كن .

تقاضاي حكمت ، خودت بشين تعقل زياد كن . خدا به خودت حكمت و فهم بده .

خب بسه براي امروز اميدوارم هر جايي كه هستين بتونيد با قدرت تعقل و ناخودآگاه قوي يكي از توانمندترين ثروتمندان جهان بشيد كه نور را تو دنيا پخش كنيد .